خبر

فضائل اخلاقی کم رنگ شده است

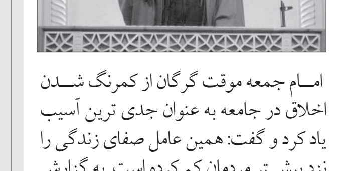

امام جمعه موقت گرگان از کمرنگ شدن اخلاق در جامعه به عنوان جدی ترین آسیب یاد کرد و گفت: همین عامل صفای زندگی را نزد بیشتر مردمان کم کرده است. به گزارش خبرنگار ایرنا حجت الاسلام قربانعلی برقرار در خطبه های نماز جمعه گرگان اظهار کرد: گاهی در زندگی ما آرامش، صفا، اخوت، نشاط و شادی کمتر به چشم می خورد که ناشی از ضعف بنیان های اخلاقی است.

وی با بیان اینکه غفلت نسبت به این مسائل خیلی از افراد را دچار مشکلات مختلف از جمله پریشانی های روحی کرده است، اضافه کرد: کار به جایی رسیده که در برخی جلسات و نشست های عمومی هم غیبت و افترا دیده می شود.خطیب جمعه گرگان گفت: معمولا می گویند نماز باید با اخلاص باشد اما خوش به حال انسانی که بتواند در همه امور اخلاص داشته باشد و رضای خدا را مد نظر قرار دهد؛ حتی تحصیل علم و دانش هم باید با اخلاص باشد.برقرار افزود: انسانی که بتواند در تمام امور رضایت خدا را کسب کند خوش بخت است؛ رضایت خدا رضایت مردم را هم به دنبال خواهد داشت.برقرار با اشاره به در پیش بودن وفات حضرت ام البنین و روز تکریم همسر و مادران شهدا ؛ ۲۲ اسفند سالروز تاسیس بنیاد شهید را تبریک گفت.وی در پایان خود و دیگران را به رعایت تقوای الهی دعوت کرد.

«»

کمپ گردشگری روستایی در گرگان برپا می شود

بخشدار مرکزی گرگان از احداث کمپ گردشگری روستایی ویژه ایام نوروز در ابتدای گرگان خبرداد. محمدرضا ترابی ضمن بازدید از خبرگزاری مهر به تشریح برنامه های نوروزی ویژه روستاهای گرگان پرداخت و اظهار کرد: کمپ گردشگری روستایی ویژه ایام نوروز در گرگان برپا می شود.وی محل احداث این کمپ را ابتدای سایت اداری و ورودی شهر گرگان اعلام کرد و گفت: هدف از راه اندازی این کمپ انعکاس ظرفیت های گردشگری و توانمندی های تولیدی روستاهای بخش مرکزی گرگان است. ترابی به تشریح جزئیات این کمپ پرداخت و اظهار کرد: در این کمپ گردشگری یک خانه روستایی با معماری خانه های روستاهای اطراف گرگان احداث می شود. وی با بیان این که این خانه روستایی به طور کامل ساخته می شود و قابلیت استفاده برای تمام افراد است، گفت: در محوطه این کمپ مرکز نگه داری دام سبک و پرنده، نانوایی سنت و تنور، فروشگاه محصولات تولید روستا و آلاچیق برای استراحت مسافران تدارک دیده شده است. وی با تاکید بر این که برای ساخت این کمپ از هیچ دستگاهی کمک گرفته نشده است، افزود: تمام اعتبار مورد نیاز این طرح گردشگری توسط خود دهیاران فراهم شده و هدف آن هم انعکاس توانمندی روستاها و دهیاری ها است. بخشدار مرکزی گرگان اضافه کرد: در نظر داریم این طرح را پایلوتی برای شناسایی ظرفیت های روستایی و ساماندهی این ظرفیت ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی قرار دهیم. وی خاطرنشان کرد: در روستاهای منطقه تولیدات بسیاری وجود دارد که می توان با هدایت و راهنمایی تولیدکنندگان محصولات آن ها را به برندهای باکیفیت منطقه تبدیل کرد تا هم اقتصاد روستا تقویت شود و هم بازار با قیمت مناسب و بدون واسطه داشته باشند. ترابی این طرح را مصداق بارز اقتصاد مقاومتی دانست و گفت: روستاهای منطقه گرگان از دیرباز تولید کننده محصولات مختلف مانند انواع ترشی، رب، مرغ و تخم مرغ و حتی گل و گیاه بوده اند اما نیاز است با به روز رسانی دانش تولید و جهت دهی روستائیان این محصولات را با کیفیت بهتر و روش های جدیدتر روانه بازار کرد تا مشتریان بیشتری جلب کنند.

«»

آتش سوزی خودرو در پمپ بنزین گرگان

رئیس سازمان آتش نشانی شهرداری گرگان از آتش سوزی یک دستگاه خودروی ماتیز در یکی از پمپ بنزین‌های گرگان خبر داد. به گزارش مهر، مهدی قره قاشی گفت: شامگاه چهارشنبه یک دستگاه خودروی ماتیز در قسمت کندروی پمپ بنزین میدان معلم آتش گرفت که با تلاش ماموران آتش نشانی این آتش خاموش شده است. وی با بیان اینکه خوشبختانه این آتش سوزی خسارت جانی نداشته، افزود: خودروی ماتیز به طور کامل سوخته و علت حادثه در دست بررسی است. رئیس سازمان آتش‌نشانی شهرداری گرگان گفت: طبق گفته راننده، این شخص در حال رانندگی بوده که متوجه بلند شدن دود از خودرو می‌شود و هنگامی‌که خودرو را به سمت کندروی پمپ‌بنزین هدایت می‌کند تا علت بلند شدن دود را بررسی کند خودرو آتش می‌گیرد.

«

تدارک طرح نظارت بهداشتی نوروزی دامپزشکی گلستان با ۱۹ گروه

مدیر کل دامپزشکی گلستان گفت: طرح تشدید کنترل و نظارت بهداشتی این اداره کل ویژه نوروز ۹۶ با بهره گیری از ۱۹گروه اعم از ثابت و سیار از ۲۵ اسفند تا ۱۵ فروردین۹۶ اجرا می شود. به گزارش ایرنا، محمدرضا وفایی بیان کرد: این گروه های نظارت بهداشتی دامپزشکی در دو نوبت کاری صبح و عصر با بهره گیری از امکانات خودرویی، نظارت بر مراکز تولید، توزیع و عرضه فرآورده های خام دامی، رستوران ها، هتل و سایر اماکن مرتبط را برعهده خواهند داشت. به گفته وی؛ علاوه بر این گروه های بهداشتی دامپزشکی استان بر فعالیت خودروهای ویژه حمل فرآورده های خام دامی و کشتارگاه های دام و طیور، سردخانه های نگهداری فرآورده های خام دامی، کارگاه های فرآوری و بسته بندی فرآورده های خام دامی و سایر موارد حسب مورد نظارت می کنند. وی افزود: شیوه نامه اجرای این طرح در هفت بخش هماهنگی بین بخشی، برنامه عملیاتی، اماکن تحت پوشش، مواردی که باید مورد توجه خاص قرار گیرد، برنامه نظارتی، اطلاع رسانی و گزارش اقدامات؛ از سوی سازمان دامپزشکی کشور به استان ها از جمله گلستان ابلاغ شده است. وفایی گفت: هم استانی ها می توانند از طریق شماره پیام گیر ۱۵۱۲ و شماره پیامک ۱۰۰۰۱۵۱۲ گزارش تخلف در مراکز عرضه فرآورده های خام دامی را به کارشناسان دامپزشکی استان منعکس کنند. طبق گزارش دامپزشکی گلستان، نوروز سال ۹۵ بازرسان طرح نظارت بهداشتی این اداره کل موفق شدند ضمن معرفی ۱۳ پرونده تخلف به مراجع قضایی، یکهزار و ۴۴۰ کیلوگرم انواع فرآورده های خام دامی فاسد را از مراکز تولید، توزیع و عرضه فرآورده های خام دامی، رستوران ها، هتل و سایر اماکن جمع آوری و پس از طی مراحل اداری معدوم کردند.

فرصت‌های شغلی در دست اتباع خارجی

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان بابیان اینکه سه هزار فرصت شغلی گلستان در دست اتباع خارجی است، گفت: بازار محور نبودن آموزش‌ها و خام فروشی محصولات به اشتغال استان ضربه زده است. به گزارش مهر، معضل بیکاری و اشتغال امروزه به اصلی‌ترین دغدغه مردم و مسئولان تبدیل‌شده است. درحالی‌که مردم از مسئولان و متولیان انتظار ایجاد اشتغال مناسب برای جویدگان کار دارند اما مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان معتقد است قوانین کسب‌وکار در ایران دست و پاگیر است بروکراسی‌های اداری سرمایه‌گذاران را کم رغبت کرده است. سعید مازندرانی که میهمان دفتر خبرگزاری مهر در گلستان بود، اعتقاد دارد آموزش‌ها در استان بازار محور نیست و روی ارزش‌افزوده تولیدات کارنکرده و خام فروشی کرده‌ایم. وی همچنین به موضوعات فرهنگی کسب‌وکار و به سیاست‌های نادرست آموزشی هم اشاره و از ایجاد توقع کاذب در جویندگان کار انتقاد کرد.

این روزها دغدغه اصلی اشتغال است؟

بله. چون دغدغه اصلی مردم و جامعه اشتغال است و بروز و ظهور فعالیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را با اشتغال می‌سنجند و سایر فعالیت‌های انجام‌شده دیده نمی‌شود و این امر کار را برای ما سخت کرده است.

بیکاری بر سایر مسائل اجتماعی و اقتصادی ما هم تأثیرگذار است ونمی توان از آن چشم‌پوشی کرد

بله می‌پذیریم. دولت تدبیر و امید در ایجاد اشتغال موفق بود اما باید بپذیریم ورودی به بازار کار خیلی زیاد شده است و آمار بیکاری ما در دولت قبل ساختگی بود.

یعنی شما معتقدید نرخ مشارکت در دولت قبل کم بوده و در این دولت زیاد شده است؟!

نمی‌خواهم این دولت یا آن دولت را نقد کنم. بنده کارشناس آمار و طرح و برنامه‌ام. در دولت قبل میزان اشتغال ایجادشده کم بود اما در این دولت بیش از ۷۰۰ هزار شغل جدید ایجادشده است. درعین‌حال نسبت تقاضا به بازار کار کم بود در سال ۹۰ نرخ بیکاری ۵.۶ درصد اعلام‌شده و یارانه نرخ مشارکت در روستاها را پایین آورده بود. رشد فزاینده مراکز دانشگاهی علمی و کاربردی، فنی و حرفه‌ای، پیام نور و غیرانتفاعی و ... بخشی از نیروی ورودی بازار کار را به تحصیل سوق داده بود و این افراد در لیست بیکاران و ورودی به بازار کاردیده نمی‌شدند و درعین‌حال کسی که یک هفته در ماه کار می‌کرد هم شاغل محسوب می‌شد. من معتقدم دولت تدبیر و امید در موضوع اشتغال خوب کارکرده اما شرایط ایده آل نیست چرا که تقاضاهای جدید (ورود فارغ‌التحصیل دانشگاهی به بازار کار و افزایش مشارکت زنان) باعث شده نه‌تنها نرخ بیکاری کم نشود بلکه زیاد هم شده است.

می‌توان به بهبود این شرایط امیدوار بود؟

بله. انسان به امید زنده است. جامعه مثل موجود زنده است که دائم خودش را اصلاح و ترمیم می‌کند اما نمی‌توان انتظار داشت همه مشکلات در کوتاه‌مدت حل شود. ما باید ابتدا اطلاعات دقیقی از بازار کار داشته باشیم و بر اساس آمار، برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشیم. باید از پراکندگی دستگاه‌ها در این حوزه کم کنیم و از جزیره‌ای عمل کردن بپرهیزیم و نظارت‌ها و پایش ها را بیشتر کنیم. البته تشکیل کارگروه اقتصاد مقاومتی هفته‌ای یک‌بار در استان تا حدود زیادی از این پراکندگی دستگاه‌ها کاسته و باعث شده دستگاه‌های اجرایی استان در مسائل اقتصادی و اشتغال همفکری بیشتری داشته باشند اما بازهم نیاز به کار بیشتر است.

ایران رتبه خوبی در بهبود فضای کسب‌وکار ندارد، شرایط استان از این منظر چگونه است؟

مطابق آخرین آمار منتشره ما از رتبه ۱۲۰ در سال گذشته به رتبه ۱۱۸ در بین ۱۷۰ تا ۱۸۰ کشور رسیده‌ایم. این نشان می‌دهد قوانین و مقررات ما در این حوزه دست و پاگیر است و باید تسهیل شود. اگر این اتفاق نیفتد باعث فرسودگی شده و خیلی از افراد از سرمایه‌گذاری منصرف می‌شوند. بروکراسی‌های اداری و طولانی بودن صدور مجوز برای سرمایه‌گذاری گاهی باعث می‌شود آن فعالیت توجیه اقتصادی را که امسال دارد سال آینده نداشته باشد. الان شرایط خوبی در استان فراهم شده و اراده بر این است که سرمایه گذاران مورد حمایت قرار گیرند.

تسهیل این قوانین فقط باید از سوی مجلس شورای اسلامی اتفاق‌بیفتد؟

نه لزوماً. این ظرفیت هم در بخشی از دستگاه‌های اجرایی و هم در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. پنجره واحد می‌تواند به حل این موضوع کمک کند تا در این راه شاهد گشایش باشیم اما یا اجرانشده و یا ناقص عمل کرده‌ایم و تاکنون نتیجه نگرفته‌ایم. برخی از دغدغه‌های محیط زیستی و منابع طبیعی هم مانع از تسهیل در امر سرمایه‌گذاری است. اگر به توسعه پایدار اعتقاد نداشته باشیم می‌توانیم دغدغه‌های محیط زیستی را مانع توسعه بدانیم

دغدغه و دلواپسی‌های منابع طبیعی و محیط زیستی کاملاً به‌حق است اما به اعتقاد من هنوز جای کار وجود دارد و قوانین این حوزه باید برای خدمات‌رسانی بهتر به کارآفرینان تسهیل شود. شماابتدای گفتگو به فعالیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حوزه فرهنگی اشاره کردید اما توضیحی در این خصوص ارائه نشد

به اعتقاد ما شکاف بسیار عمیقی بین دانشگاه و صنعت وجود دارد و با فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مواجه‌ایم که هیچ مهارت کسب‌وکار ندارند و گرایش به سمت مشاغل دولتی همچنان زیاد است. ما فقط در گلستان برای سه هزار اتباع خارجی مجوز کار صادر کرده‌ایم؛ یعنی سه هزار فرصت شغلی گلستان در دست اتباع خارجی است که جوانان جویای کار استان حاضر نیستند در آن مشاغل مشغول کار شوند. باید بپذیریم ما مقصر بوده‌ایم ورود به دانشگاه را آسان کردیم و توقع کاذب ایجادشده است و حالا باید برای بهبود این فضا کار فرهنگی انجام دهیم.

برای پر کردن خلع بین دانشگاه و صنعت برنامه‌ای دارید؟

طرح کارورزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با پر کردن همین خلع در استان آغازشده است.

کمی راجع به این طرح بیشتر توضیح می‌دهید؟

در این طرح فارغ‌التحصیلان دانشگاهی وارد کارگاه‌های اقتصادی استان شده و آموزش می‌بینند و در این مدت (حدود ۱۱ ماه) ۲۰۰ هزار تومان از کارفرما و ۲۰۰ هزار تومان از دولت دریافت می‌کنند و بیمه حوادث هم هستند. چون در این طرح کارفرما با شکایت و قوانین کار سروکار ندارد و کد مربیگری هم به کارگاه داده می‌شود با استقبال خوبی در استان مواجه بوده.

چند نفر در این طرح مشارکت کردند؟

این طرح حدود پنج یا ٦ ماه است به اجرا درآمده و تاکنون ۹۷ فارغ‌التحصیل مرد و ۳۲۱ زن در واحدهای تولیدی و اقتصادی استان مشغول شده‌اند.

برنامه‌های بلندمدت هم در این حوزه دارید؟

متأسفانه همه دیدگاه‌ها نسبت به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیدگاه اشتغالی و حل معضل بیکاری است، این موضوع در شرایطی است که در اساسنامه این وزارت خانه تنظیم و نظارت بر عرضه و تقاضای کاربر عهده ما نهاده شده است. ما شغل ایجاد نمی‌کنیم بلکه نظارت و تنظیم اشتغال به‌وجود آمده وظیفه ماست.اشتغال مشکل چندبعدی است. یا انتظار داریم دولت شغل ایجاد کند یا اینکه وام بدهد تا کارخانه بزنند. به اعتقاد من مشکل اشتغال با این چیزها حل نمی‌شود باید روی فرهنگ اشتغال، کارکنیم. سیستم دانشگاهی، آموزشی و پژوهشی ما باید بهبودیافته و با مطابق با نیاز بازار استان باشد و درعین‌حال مشاغل خرد گلستان باید فعال شوند.سبک آموزشی گلستان بازار محور و اشتغال محور نیست و درعین‌حال درفروش تولیدات استان در بازار با مشکل جدی مواجه ایم چراکه روی ارزش‌آفرینی تولیدات و برندسازی کارنکرده‌ایم و خام فروشی کرده‌ایم.گلستان استانی بکر با ظرفیت‌های بسیار است اگر نگرش‌ها در حوزه اشتغال تغییر نکند و فضای کسب‌وکار در استان تسهیل نشود همین سرمایه‌های موجود هم از بین می‌رود. ضعف اصلی گلستان در عدم شناخت فرصت ها بهره گیری از آن هاست و در حال تکمیل بانک اطلاعاتی کار استان هستیم.

تشکل های مردم نهاد کم کاری دولت در بخش قرآنی را جبران می کنند

مدیرکل امور اجتماعی استانداری گلستان گفت: تشکل های مردم نهاد کم کاری دولت در مباحث قرآنی را جبران می کنند. به گزارش مهر، عبدالرضا چراغعلی در جلسه هماهنگی چهلمین دوره مسابقات قرآن کریم اظهار کرد: بعد از ظهور اسلام بزرگان دینی ما به نحوی برنامه‌ریزی کردند که مسائل قرآنی مدنظر ما قرار گیرد و جلوه های آن را در گلدسته های مساجد دیده ایم. وی افزود: امروز باکمال تأسف باید گفت کاری کرده‌ایم که مساجد ما در لابه‌لای پاساژهای تجاری گم‌شده‌اند و نمایی از آن‌ها دیده نمی‌شود.مدیرکل امور اجتماعی استانداری گلستان در رابطه با نقش رسانه در معرفی نخبگان قرآنی و تأثیر آن بر روی جامعه گفت: سال‌های پیش کودکی به نام طباطبایی که حافظ کل قرآن بود به مردم معرفی شد و بعد از آن شاهد جنب‌وجوشی در استان‌های دیگر برای حفظ قرآن بودیم.چراغعلی بابیان اینکه ما حق خود را در رابطه با مسائل قرآنی ادا نکردیم، اظهار کرد: خوشبختانه تشکل‌های مردم‌نهاد در زمینه برنامه‌های فرهنگی و قرآنی کم‌کاری بخش دولتی را جبران می‌کنند.وی اظهار کرد: ما باید برای ترویج فرهنگ قرآنی تمام رسانه‌های مکتوب و مجازی را بسیج کنیم و حال که ستاد تشکیل‌شده وظایف را به شکل تکلیفی به ادارات ابلاغ کنیم و انتظارات خود را مشخص کنیم. چراغعلی بابیان اینکه مسابقات قرآنی در الویت قرار دارد، تصریح کرد: از اداره کل اوقاف استان خواهش می‌کنم ظرفیت برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن در گلستان را بررسی کند و چنانچه شرایطش فراهم باشد برای میزبانی این مسابقات اقدام کنیم.

» آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم فاطمه تیرانی فرزند عبداله به شماره شناسنامه ۴۰۲۰ صادره از گرگان کدملی ۲۱۲۱۵۹۷۱۷۴ با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده شماره ۱۸۶۱۲ _ ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ توسط دفترخانه شماره ۵۵ گرگان طی درخواست شماره ۱۷۱۸۱ _ ۹۵/۱۲/۱۵ اعاد نموده اند سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان بمساحت ۷۷,۲۱ مترمربع پلاک ۷۳۸۰ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۳ گرگان ذیل ثبت ۵۸۱۵۵ صفحه ۱۹ دفتر املاک جلد ۴۱۴ بنام خانم فاطمه تیرانی به شماره چاپی ۲۸۳۹۴۱ (سند تکبرگی) صادر و تسلیم گردیده است که بموجب سند رهنی شماره ۱۷۸۰۴ _ ۱۳۹۱/۲/۲۶ دفترخانه ۱۲۲ گرگان در رهن بانک مسکن شعبه شهید شاهرخی قرار گرفته و در بازداشت نمی باشد که بعلت جابجایی مفقود گردیده است تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده اند لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۸) و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۶۹۴۱ م الف

» آگهی‌های ثبتی

آگهی نوبتی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۳۲ – ۹۵/۱۱/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی اصغر لشکربلوکی فرزند علی جان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۷۵/۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علیجان لشکربلوکی محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۳۳ – ۹۵/۱۱/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی اصغر لشکربلوکی فرزند علی جان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۵۰/۶۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علیجان لشکربلوکی محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۸۶ – ۹۵/۱۰/۱۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمدمهدی عبدالصالحی فرزند اسداله در ششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۸۵۰۰/۷۸ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان غربی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی اصغر احمدی لیوانی محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۸۶ – ۹۵/۱۰/۱۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمدمهدی عبدالصالحی فرزند اسداله در ششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۸۵۰۰/۷۸ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان غربی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی اصغر احمدی لیوانی محرز گردیده است.

۵- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۴۰۷ – ۹۵/۱۰/۱۵ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی سلمان کاویانی فرزند محمدرضا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۰۷۰/۹۲ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۶۵۲۵ فرعی از ۴-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی تلور) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی قلی یداللهی محرز گردیده است.

۶- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۸ – ۹۵/۹/۹ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی سلیمان دماوندی کمالی فرزند سعداله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۷۰۵/۹۱ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۵-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی جفاکنده) که میزان ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقایان علی مراد قره قاشی محرز گردیده است.

۷- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۷ – ۹۵/۹/۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی جمشید گلعلی پور فرزند لطف اله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۲۰۴/۷۹ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۷- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی شاه پسند) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی از آقای احمد گلعلی پور محرز گردیده است.

۸- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۶ – ۹۵/۹/۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمد رفیع کردی فرزند عبدالرحمن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۱۸/۹۷ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی گز) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای عبدالرحمان کردی محرز گردیده است.

۹- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۲۴ – ۹۵/۱۰/۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی امید پارسا فرزند شعبانعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰,۰۰۰(ده هزار) متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۸- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی گز غربی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حاج اسماعیل کردی محرز گردیده است.

۱۰- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۴ – ۹۵/۹/۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی مسلم میرمحمدی فرزند یوسف در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۵۱۷/۱۰,۳۳ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۹- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی والفرا) که میزان ۲۰/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای یوسف میرمحمدی محرز گردیده است.

۱۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۲۶ – ۹۵/۱۱/۱۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمد صادقی برزانی فرزند رجبعلی به مقدار ۹۱/۲۰ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ اعیانی بانضمام مقدار ۶۴/۲۲ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۱۴۶۷/۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی باغو) که میزان ۳۵/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی فرج اله حمیدی و علی بهمنی و خانم منصوره بهمنی محرز گردیده است.

۱۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۲۷ – ۹۵/۱۱/۱۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی رضا حمیدی فرزند فرج اله به مقدار ۲۸/۸۰ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ اعیانی بانضمام مقدار ۲۰/۲۸ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۱۴۶۷/۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی باغو) که میزان ۳۵/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی فرج اله حمیدی و علی بهمنی و خانم منصوره بهمنی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تجری – رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز – م.الف: ۷۴۵۶
تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۹۵/۱۲/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۹۵/۱۲/۲۱

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر www.golshanemehr.ir

خبر

سازش ۵۰ درصد پرونده های شورای حل اختلاف گلستان

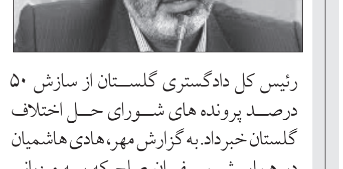

رئیس کل دادگستری گلستان از سازش ۵۰ درصد پرونده های شورای حل اختلاف گلستان خبرداد. به گزارش مهر، هادی هاشمیان در همایش سفیران صلح که به میزبانی دادگستری گلستان برگزار شد اظهار کرد: یکی از مشکلات در بدنه دستگاه قضایی، اطاله دادرسی بود که نارضایتی و نگرانی برای مردم به همراه داشت ولی با ظرفیت شورای حل اختلاف این امر کاهش پیدا کرد. وی افزود: در سال ۹۴ حدود ۷۵ هزار پرونده در سراسر استان در شورای حل اختلاف رسیدگی شد که نشان از کمک این شورا به دستگاه قضا است. هاشمیان با بیان این که هدف اصلی شکل گیری این شورا، صلح و سازش بین اعضای حقیقی و حقوقی و غیردولتی است، گفت: با هدایت مرکز شوراهای حل اختلاف تصمیم گرفته شد تا در سراسر استان یک شعبه سازش هم داشته باشیم. وی از سازش ۵۰ درصد پرونده های ارجاعی به این واحد خبرداد و گفت: در ۱۱ ماهه امسال شاهد افزایش دو درصدی سازش بودیم. وی ادامه داد: ۱۳۲ زندانی در سال جاری آزاد شدند و هفت فقره حکم اعدام هم منجر به عفو شد. رئیس کل دادگستری گلستان تصریح کرد: اعضای شورای حل اختلاف از حضور علمای شیعه و سنی برای صلح و سازش کمک می گیرند و این نشان از وحدتی است که بین مردم وجود دارد. وی با بیان این که سال جاری در تشکیلات قضایی استان حدود ۱۸ هزار پرونده کمتر وارد شد، گفت: ما در کشور رتبه یک کاهش آسیب های اجتماعی داریم.

«»

پاداش راه ایمن در نوروز ۹۶ تندرستی است

مدیرکل راه و شهرسازی گلستان گفت: برای اینکه در نوروز ۹۶ شاهد افزایش رعایت ایمنی از سوی رانندگان، ایمن سازی راه ها و کاهش تصادفات باشیم؛ مقام عالی وزارت متبوع، شعار نوروز امسال را تندرستی، پاداش راه ایمن اعلام کرد تا سرلوحه کار تمام کاربران جاده ها قرار گیرد. به گزارش روابط عمومی، ابراهیم مبارک قدم در نهمین جلسه کمیسیون اجرایی مدیریت ایمنی حمل و نقل استان که برای هماهنگی دستگاههای خدمات رسان نوروزی در سالن جلسات معاونت عمرانی استانداری برگزار شد، افزود: از آنجایی که استان گلستان نیز، هدف گردشگری بسیاری از گردشگران در این ایام محسوب می شود باید تدابیر ویژه ای برای عملی ساختن این شعار و افزایش ایمنی راه های آن، دیده شود. وی، دستفروشان را عاملی مخاطره آمیز برای ایمنی راه های استان بیان کرد و گفت: قرار است در نقاط خاص مانند مبادی ورودی و خروجی و میانه راه ها که مکانی مناسب برای توقف است، برای دستفروشان مکانی در نظر گرفته شود تا امنیت آنان و مسافران تامین شود. مبارک قدم، تکمیل خط کشی ها و نصب تابلو و علائم ایمنی را در طول راه ها یکی دیگر از راه های ایمن سازی محورهای ارتباطی استان بیان کرد و گفت: توجه و افزایش ایمنی در راه های فرعی، اطلاع رسانی از وضعیت راه ها از طریق تابلوهای vms، نصب تابلو و علائم ایمنی و آشکارسازی نقاط حادثه خیز از دیگر راهکارهایی است که ضریب ایمنی راه های استان را بالا می برد.

«»

متجاوز به منابع ملی در گالیکش به غرس ۲۰۰ نهال و مراقبت از آن محکوم شد

رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری گالیکش درشرق گلستان از رای شعبه اول دادگاه تجدیدنظر این استان مبنی بر غرس ۲۰۰ اصله نهال و نیز مراقبت سه ساله از آن توسط یکی از متجاوزین به منابع ملی در این شهرستان خبر داد. منصور ممشلی در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: یکی از متجاوزان به منابع ملی گالیکش در محدوده روستای آقمیش این شهرستان در سال ۹۲ اقدام به تخریب حدود سه هزار مترمربع از منابع طبیعی کرده بود.وی گفت: براین اساس، فرد متجاوز به منابع طبیعی با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شد که در نهایت قاضی شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان گلستان این فرد خاطی را به غرس ۲۰۰ اصله نهال و سه سال مراقبت از آنها محکوم کرد. ممشلی اضافه کرد: این فرد خاطی در مراجع قضایی به یک سال زندان محکوم شده بود که در دادگاه تجدیدنظر، این حکم به کاشت ۲۰۰ اصله نهال و مراقبت از آنها به مدت سه سال، تغییر کرد.

یادداشت

روزهای قبل از ۸ مارس

مریم زارعی

▪ مترو

دختری در مترو با موهای بنفش و طوسی مانتو و شلوارگل گلی و کوتاه در واگن خانم ها واگنی که نزدیک آقایان هست. مردها و پسرهای جوان مثل همیشه به واگن خانم ها خیره شده اند و از هر قشری هستن به دخترک بیشتر از همه زل می زنند و زنان به دختر چپ چپ نگاه می کنن گویی نگاه مردانه طبیعی ست و حق دارند متلک بگویند و دخترا مقصر می دانند.

▪ خیابان.مرکز شهر

دو مرد گلاویز شدن و فحش می دهند فحش هایی که شخصیت فردی هیچکدام مد نظر نیست و.... وسط هستن بی انکه حضور داشته باشند. کنار پاساژ مردی پشت تلفن فحش می دهد و... و هر زن و دختر که از نزدیکش عبور می کند فحش ها را غلیظ تر و با صدای بلندتر می گوید

▪ جمع دوستانه دخترانه قرار کافه:

هنوز ازدواج نکردی؟
-نه
+بابا تو هم که ترشیده شدی
+ شوهر کمه حق داری

▪ محل کار،دو همکار زن

خوشم میاد ازت مثل یه مرد کار می کنی
راستی اون قولی که دادی چی شد؟
مرد و قولش

▪ دانشگاه-کلاس ادبیات

مردان خدا پرده ی پندار دریدند

▪ خوابگاه دخترانه-شب

+دیوانه شدی این موقع شب آرایش می کنی؟
-دوست دارم آرایش کنم جلو آیینه بایستم و خودمو نگاه کنم.
+همین دیگه همینه دیگه صبح ها بدون آرایش میزنی بیرون شبا تو خوابگاه آرایش می کنی.

▪ ۸ مارس

فیس بوک،تلگرام،اینستا ،توئیتر پر شده از پیام های روز جهانی زن و تصاویری از راهپیمایی زنان در دهه های پیش همه یک صدا این روز را گرامی میدارند و آرزوی برابری می کنند...و منتظرند یه ناجی بیاید و حقوق زنان را بدهد و برود.حتی دوستم الف که با یک مرد دوست شده وبا او سفر می رود هم هشت مارس را تبریک گفته! مرد هم در صفحه خودش از هشت مارس نوشته!پسری که دیروز می شناختم که همزمان با چند دختر دوست بود و سرکارشان گذاشته بود و از هشت مارس و حقوق زنان نوشته حالم بد می شود از دنیای مجازی فاصله می گیرم و هشت مارسی که بیشتر تو ایران جنبه توهین به شعورم خطاب می شود آنگاه که کسانی در زندگی روزمره کاملا جنسیتی فکر می کنند و می اندیشند تبریک می گویند زن و مرد هم ندارد و با یک نوشته احساس می کنند کارنامه یکساله شان پاک شده و وارد جمع روشنفکران شده اند و هر گونه نگاهی به زنان را برای خود مجاز می دانند و از مدرنیته ای که نمی دانند چیست حرف می زنند و از عملکردشان دفاع می کنند. مشکل زنان نه سیاست وحکومت و دیگری ست بلکه فقط خود ما هستیم زنان و مردان همین جامعه از بین رفتن نگاه جنسیتی و قبول نکردن یک زن به عنوان یک من داری هویت و مستقل فارغ از جنسیت برمی گردد به خود ما و فرهنگ ما فرهنگی که از بدو تولد باید به فرزند اموزش داده شود و اگر آموزشی دیده نشده خود فرد باید در این راستا و برای نهادینه کردن آن در خودش اقدام و تلاش کند. زبان محاوره،رفتارها،اصطلاح ها،ادبیات را اصلاح کند و از تمام کلیشه های روزمره ی جنسیتی فاصله بگیرد آنگاه ست که افرادی فارغ از تمام نگاه ها رشد کرده و وارد سیاست می شوند و از این طریق حتی می توان قانون های تبعیض علیه زنان را از بین برد کاش در این روز به خودمان بی اندیشیم به تفکرمان و واژه های که در طول روز از آن استفاده می کنیم و فراموش نکنیم یک زن مالک جسم و فکر خودش است زنان زیر سایه خودشان باید رشد کنن نه زیر سایه پدرخوانده ها کاش به فرزندان دختر و پسرمان یاد بدهیم زنان و مردان در کنار هم جامعه می شوند فارغ از نگاه های ترحم برانگیز(ضعیفه ست کاری باهاش نداشته باش) و دلسوزی هایی که گاه به خشونت و از بین رفتن استقلال زنانه و هویت مستقل او منجر می شود.

«

زن ها کجا هستند؟

● شوکا حسینی

«مرد خیمه‌دار: اینجا سه صورت است- ببینید خانم‌ها- یکی استبداد است؛ یک سر مشروعه؛ و یکی مشروطه! این که می‌بینید زمین خورده ملت است.
زینب: زن‌ها کجا هستند؟
مرد خیمه‌دار: زنها- دارند تماشا می‌کنند.»
از نمایشنامه‌ی «ندبه» بهرام بیضایی

مجموعه آثار ایجاد شده در بدن‌ها، رفتار و روابط اجتماعی به واسطه کاربرد سیاست و قدرت، جنسیت را به‌وجود می‌آورد. همان‌گونه که سیمین دوبوار در رابطه با جنسیت می‌گوید: «ما زن زاده نمی‌شویم بلکه از ما زن ساخته می‌شود». اما چه‌گونه این امر اتفاق می‌افتد؟ از راه زبان. تعیین جنسیت به‌سان نتیجه اجتماعی‌شدن تنها از راه زبان روی می‌دهد. جنیست، با گفتن و بیان جنسیت شکل می‌گیرد و به‌طور کلی منشاء شکل‌گیری مفهوم «جنسیت» در زبان را می‌توان قراردادی، زیست‌شناختی- روان‌شناختی و اجتماعی- فرهنگی دانست. بدین معناکه تمام آن‌چه که با هویت جنسیتی و هویت جنسی در رابطه است، داده طبیعت نیست، بلکه ظهور و تولید یک شالوده‌سازی فرهنگی و اجتماعی است که زبان در آن نقش اساسی را بازی می‌کند و امروزه جنسیت بیشتر امری مبتنی بر «بی‌نظمی» است تا یک اصل «نظم‌یافته» و نمی‌توان مرز دقیقی بین هم‌جنس‌گرایی و ناهم‌جنس‌گرایی کشید و این ادعای کهن که بدن مردانه و زنانه، پایه‌ی طبیعی جنسیت است، نفی می‌شود. جنسیت نباید به منزله یک هویت ثابت یا مکان عاملیتی دانسته شود که کنش‌های متعدد از آن نشات می‌گیرند؛ بلکه جنسیت هویتی است بی‌بنیاد که با گذشت زمان ساخته می‌شود و در یک فضای بیرونی از طریق تکرار سبک‌وار کنش‌ها بنا می‌شود. یعنی همانطور که سیمین دوبوار اشاره می‌کند، این جامعه است که در فرایند ساخت و تولید گفتمان حاکم، جنسیت را به وجود می‌آورد. اثر جنسیت به کمک سبک گزینی بدن تولید می‌شود، از همین رو باید روشی مادی به حساب آورده شود که در آن رفتارها، حرکات، سبک‌های متعدد، توهم وجود یک منیتِ جنسیتی را ایجاد می‌کند با این فرمول‌بندی، مفهوم جنسیت از مبنای مدلی ماهوی از هویت به مَبنایی گذر می‌کند که مفهوم جنسیت را باید فرآیند موقتی که در اجتماع شکل گرفته، دانست. تبعیض جنسی یا جنسیت‌زدگی (Sexism) به معنی باور یا نگرشی است که یک جنسیت یا جنس را پَست‌تر از دیگری، و در درجه دوم می‌داند. این امر موجب تبعیض منفی نسبت به انسان‌ها، براساس هویت واقعی یا فرضی جنسیتی ایشان است. این مفهوم هم‌چنین می‌تواند در اشاره به نفرت یا بدگمانی نسبت به یک جنس(زن‌ستیزی و مردستیزی)، و یا کلیشه‌ای کردن مردانگی در رابطه با مردان و زنانگی در رابطه با زنان باشد. تبعیض جنسی به طور تاریخی و فرهنگی بیشتر در جهت فرودست کردن زنان به کار رفته‌است و زنان و مردان بسیاری برای رسیدن به برابری جنسی، از فمینیسم بهره برده‌اند. در اینجا به دو نوع جنسیت‌زدگی اشاره می‌کنیم: جنسیت‌زدگی خَصمانه (Hostile sexism)و جنسیت‌زدگی خیرخواهانه(benevolent sexism). براساس تعریف، جنسیت‌زدگی خصمانه به صورت سلطه‌جویی مردسالارانه و باورهای تحقیرآمیز خود را نشان می‌دهد و موضوع مرکزی آن صراحتا این است که مرد جنس برتر است و باید قدرت را در اختیار داشته باشد. به‌عبارت دیگر همان نگاهی که زن را «ضعیف» می‌بیند. اما جنسیت‌زدگی خیرخواهانه، نگاهی ملایم‌تر نسبت به زن دارد؛ زن را موجودی زیبا و شکننده می‌بیند که باید از او حمایت کرد، با این حال زنان باید همان نقش‌های محدود و کلیشه‌ای را بپذیرند و دنباله‌رو باشند. به عبارت دیگر، همان نگاهی که زن را «جنس لطیف» می‌بیند. بهترین مثال برای جنسیت‌زدگی خیرخواهانه تصویر کردن زن ایده‌آل به عنوان همسر و مادر و سوژه عشق رمانتیک است. افرادی که چنین نگاهی دارند به زنان توجه زیادی می‌کنند و با آنها روابط صمیمانه و دوستانه دارند. جنسیت‌زدگی خیرخواهانه نگاهی مثبت‌تر از جنسیت‌زدگی خصمانه به زنان دارد، اما در یک نکته با آن شریک است: اینکه زن موجودی «ضعیف‌تر» است و برای حفظ ساختار قدرت مردانه، این نگاه را توجیهی مناسب می‌بیند برای اینکه زن بهتر است به وظایف خانگی رسیدگی کند. دو استاد روانشناسی، پروفسور پیتر گلیک و پروفسور سوزان فیسک با پرسش‌نامه خود، جنسیت‌زدگی را در ۱۹ کشور بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در تمام آنها جنسیت‌زدگی خصمانه در مردان بیشتر از زنان است، اما در جنسیت‌زدگی خیرخواهانه این‌گونه نیست. به نظر گلیک و فیسک، این دو نگاه را کاملا نمی‌توان از هم جدا کرد چرا که هردو از سه جزء یکسان تشکیل شده‌اند: پدرسالاری(حمایتگری و تسلط)، تفاوت جنسیتی و گرایش به جنس مخالف. گلیک و فیسک معتقدند که فرد جنسیت‌زده می‌تواند دوگانگی خصمانه-خیرخواهانه را بدون هیچ تضاد و تناقضی داشته باشد چون زنان را به دو گروه کلی تقسیم می‌کند: کدبانو و فمینیست. در نیمی از این کشورها زنان به اندازه مردان از جنسیت‌زدگی خیرخواهانه طرفداری می کردند. آنها استدلال می‌کنند که زنان جنسیت‌زدگی خیرخواهانه را بسیار راحت‌تر می‌پذیرند؛ بویژه در کشورهایی که زنان بیشتر در معرض تهدید مردان قرار دارند. اما روان‌شناسان فمینیست نگاهی بسیار منفی به جنسیت‌زدگی خیرخواهانه دارند. مثلا وقتی مردی زنی را غرق در عواطف می‌کند یا به او می‌گوید که نمی‌تواند بدون او زندگی کند، این رفتار را جنسیت‌زده می‌دانند. آنها معتقدند که این اعمال برای حفظ و دوام اجتماعی است که زنان در آن، جنس آسیب‌پذیر باشند و در آن بی‌عدالتی و نابرابری برقرار باشد. در زبان جنسیت‌زده، تجارب آدمی از دیدگاهی مردانه ولی به عنوان(هنجاری) برای عام مطرح می‌شود . یکی از مهمترین عوارض جنسیت‌زدگی زبان، نادیده انگاشتن بخش دیگری از مردم است که عموما شامل زنان می‌شود. این جنسیت‌زدگی زبان، در تعامل‌های گفتاری که در جامعه و گفتمان‌های مردم دیده می‌شود، به مرور به از خود بیگانگی و انزوا زنان می‌انجامد. در زبان جنسیت‌زده، بعضی از صفات ارزشی جامعه فقط در انحصار مردان قرار می‌گیرد و این باعث می‌شود زنان جایگاه کمتری را به خود اختصاص دهند(مانند قول مردانه، بیا مثل دو تا مرد با هم حرف بزنیم، زن صفت، چرا مثل خاله زنک‌ها قایم میشی؟، مرد و قولش، دست مردانه بده، مرد عمل باش، اگه مرد میدانی بیا وسط معرکه، مردانه ازخودت دفاع کن) همچنین جنسیت‌زدگی زبان می‌تواند موجب کاربرد متمایز، تحقیرآمیز و حتی بی‌ادبانه‌ای نسبت به جنس دیگر در جامعه ترویج شود که باز هم مخاطب آن عموما زنان هستند، مانند (خاله زنکی، خجالت نمی‌کشی مثل زنا زانوی غم بغل کردی). می‌توان گفت زبان جنسیت‌زده زبانی است که به تولید و بازتولید نقش‌های کلیشه‌ای زنان می‌پردازد. کلیشه‌هایی که به تشدید تبعیض‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان دامن می‌زند و زن در گفتمانِ هویتیِ جامعه‌ی تک جنسیتی، یک پارادوکس(نفی‌کننده خود) است که در زبان مردسالار امر غیرِقابل عَرضه می‌باشد. یعنی نشانگر جنسی‌ای هستند که نمی‌توانند اندیشه شوند. چون در زبان موجود غایب‌اند. در این ارتباط روان‌شناسانی چون کریمر، ثورن و هنلی به طرح این سوال پرداختند که تفاوت‌های زبانی میان مرد و زن چگونه می‌تواند موجب ترویج نابرابری جنسی شود. این‌گونه پرسش‌ها و نظرات ناشی از آنها زمینه‌ی پژوهش در باره‌ی «زبان و جنسیت» را فراهم کردند. در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی تعاریف متعددی پیرامون زبان جنسیت‌زده ارائه شده‌است. به عنوان نمونه "براکین" (۱۹۸۱) جنسیت‌زدگی زبانی را اینگونه تعریف می‌کند: «زبانی جنسیت زده است که کاربرد آن تمایزی بی‌ادبانه، نامربوط، یا ناعادلانه را در میان جنسیت‌های مختلف به وجود آورده یا ترویج نماید.». در این تعریف زبان به عنوان عامل فرهنگی می‌تواند محدودیت‌هایی را در فرهنگ ایجاد کند و زبان جنسیت‌زده حامل پیامدهای منفی‌ای است که با خود وارد جامعه می‌کند. همچنین به نقل از «فرکاف» زبان یکی از حوزه‌های تضاد است که گروه‌های مختلف اجتماعی برای کسب و حفظ قدرت در این حوزه به نزاع با یکدیگر پرداخته و می‌کوشند با کنترل زبان اعمال قدرت کنند. لذا زبان جنسیت‌زده را می‌توان شیوه‌ی مناسبی برای کنترل اجتماعی از سوی گروه‌های فرادست اجتماعی دانست. در رابطه‌ی متقابل زبان و فرهنگ، هم‌چنان که زبان بر فرهنگ تأثیر می‌گذارد و درک ما از جهان خارج را شکل می‌دهد و نظام‌های فکری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فرهنگ نیز در زبان نقش اساسی ایفا می‌کند و زبان در واقع، واقعیات و تفکر اجتماعی را در خود بازتاب می‌دهد. به این ترتیب فرهنگ خود پدید آورنده‌ی زبان جنسیت‌زده است و از سوی دیگر زبان جنسیت‌زده موجب استمرار فرهنگ جنسی همراه خود شده؛ آن را ترویج می‌دهد. این حوزه از مطالعات رابطه تنگاتنگی با حوزه تحلیل گفتمان انتقادی دارد. فمنیست‌ها معتقدند که ساختارهای زبانی مردمحور، جهان را مردمحور نموده‌است، بنابراین برای رفع این تبعیض تاریخی لازم است که از برخی عناصر زبانی مذکرزدایی شود. با این استدلال است که آنها اقدام به تغییر واژه‌هایی در زبان انگلیسی نموده‌اند. مثلاً جزء man موجود در همه‌ی واژه‌های مرکب را یا به person تغییر داده‌اند یا برای آنها جفت دارای جزء woman نیز ساخته‌اند و سعی در رواج آنها دارند. البته این نمونه نوعی برنامه‌ریزی جنسیتی زبان در سطحی بسیار خرد است که معمولاً مبتنی بر فرض جنسیت‌زده بودن یک زبان است. برنامه‌ریزی جنسیتی زبان هم‌چون برنامه‌ریزی در سایر حوزه‌های زبان می‌تواند در سطوح گفتمانی کلان و با تکیه بر واقعیت‌های اجتماعی موجود طرح‌ریزی و اجرا گردد. پس به‌طور کلی منشاء شکل‌گیری مفهوم «جنسیت» در زبان را می‌توان قراردادی، زیست‌شناختی- روانشناختی و اجتماعی- فرهنگی دانست. از دیگرسو، موضوع جنسیت در زبان را (با توجه جداگانه به هر یک از سه منشاء مذکور) می‌توان در عناصر زبانی (اعم از آوا، واژه، بند، گروه، جمله و متن)، گونه‌های نوشتاری و گفتاری، گویشوران و مخاطبان زبان و تعامل جنسیت‌ها مورد مطالعه قرار داد. به این ترتیب، با محدود کردن این حوزه مطالعاتی وسیع به برخی موضوعات جزئی و نیز مبتنی ساختن مطالعات این حوزه به برخی فرضیات محدود(مانند تسلط یک جنس بر دیگری و یا تفاوت دو جنس با یکدیگر) نمی‌توان تصویر دقیقی از این حوزه به دست داد. در جمع‌آوری داده‌های زبانی نیز همواره باید متوجه پیچیدگی وچند بعدی بودن مسئله زبان و جنسیت بود و در تحلیل یافته‌های میدانی نیز باید بر واقعیت‌های اجتماعی -بافتی تکیه کرد. سیمون دوبوآر در کتاب جنس دوم خود می‌گوید: «از رشد زبان زنان جلوگیری به عمل آمده است، در فرهنگ و جامعه‌شناسی زبان زنان به عنوان دیگری به کار برده شده‌است نه به عنوان خود». هلن سیکوس از منتقدین ادبی فمنیسم فرانسه نیز، تنها جایگزین در مقابل حاکمیت مردانه را ساخت زبانی زنانه می‌داند که نشانگر تفاوت در جنسیت است: « زن باید بتواند خود را از سانسور رها کند وشایستگی‌ها، تمناها و قلمرو پهناور هستی خود راکه مهر وموم نگه داشته شده‌است را بازیابد». به اعتقاد او سنت پدر سالاری توانسته‌است صدای زنان را از آنان بگیرد و در آنها احساس گناه بوجود آورد واین زنان هستند که باید این احساس گناه را از خود دور کنند. به نظر او زن باید زبانی برای خود بوجود آورد که درونش را نشان دهد. نقد فمنیستی فرانسه امروز معتقد است که خلق زبان زنانه را باید در زمینه‌ی روشنفکرانه‌ی آن دید، زیرا تغییرات قدرت زبان همیشه بخشی از برنامه‌های روشنفکرانه هستند. به اعتقاد آنها برای مردان، زبان اهرم مرکزی بوده که توسط آن دنیا را به خود اختصاص داده‌اند و با به کار بردن معانی زبانی، زن را استثمار کرده‌اند. منتقدین فمنیسم فرانسه با استفاده از ساخت‌شکنی توجه خود را بر روی زبان قرار می‌دهند و مکانیزمهای بازدارنده‌ی زبان پدر سالار را افشا می‌کنند و در هم می‌شکنند. آنها نقش زبان در ادبیات و معرفی زبان زنانه و مردانه در آن را اساسی می‌دانند. حال در اینجا باید این سؤال الیگاری را مطرح کرد که:« یک زن با زبانی که ضد زن! است چگونه می‌تواند صحبت کند و یا حتی فکر کند؟» زبانی که متکی به مفاهیم جنسی است و به عبارتی جنسیت‌زده است. به گفته‌ی ترلینگ براگین زبانی جنسیت‌زده است که کابرد آن تمایزی بی‌ادبانه، نامربوط و یا ناعادلانه در میان دو جنس به‌وجود آورده یا ترویج کند. زبان جنسیت‌زده تاثیری طولانی مدت و منفی بر اجتماع پیرامون خود می‌گذارد، گروهی که در جامعه فرادست بوده و قدرت را به دست دارند می‌کوشند با کنترل زبان همچنان وضعیت را به سود خود حفظ کنند. زنان در چنین جامعه‌ای تصویری کلیشه‌ای و منفی از خود دریافت می کنند و این بر انتظارات مردان و خود آنها از آنچه شایسته‌ی زن است تاثیر می‌گذارد. میلز دو دیدگاه درباره‌ی جنسیت‌زدگی در زبان مطرح می‌کند: یکی اینکه جنسیت‌زدگی در زبان با ارائه‌ی الگوهای واجد مرکزیت و دوگانه اندیشه، موجب خلق جامعه‌ی جنسیت‌زده می‌شود و دیگر آنکه جنسیت‌زدگی در جامعه، خارج از حوزه‌ی زبان وجود دارد و زبان صرفا بازتابی از جنسیت‌زدگی نظام اجتماعی است که طبق نظر اول با اصلاح زبان می‌توان به مرور جامعه را اصلاح کرد ولی طبق دیدگاه دوم اصلاح زبانی سودی ندارد. برای بررسی دقیق‌تر جنسیت‌زدگی زبان باید به سوی تحلیل انتقادی گفتمان رفت و با بررسی گفتمان حاکم و تاریخی‌نگری نوین به بازخوانی آثار زبانی پرداخت تا بتوان وضعیت جنسیت‌زدگی را به‌طور دقیق و بلاخص در زبان فارسی مورد کنکاش قرار داد. اینکه گفتمان تاریخی و حاکم چه‌گونه و با چه ابزاری توانسته‌است جنسیت‌زدگی زبان را امری معمولی و رایج نشان دهد طوری که این مبحث در خاموشی باقی بماند و هیچ‌گونه هشیاری‌ای را در بدن‌های غایب ایجاد نکند. جنسیت‌زدگی زبان به‌طور ظاهرا طبیعی‌ای معنای زن را در احاطه‌ی خودش قرار داده است و همان‌طور که گفته شد تنها می‌توان آثارش را در بخش‌هایی از جامعه به‌شکل آماسیده شده، دید. بخش‌هایی از جمله در ادبیات و جملات قصار که ظاهرا در تکریم زن بیان شده‌اند؛ در نگاه شاعران به موجود غریبی چون معشوق زن که هماره در تاریخ ادبیات به عنوان یک شی منفعل غریب‌الشکل نمایش داده شده‌است؛ در بازار که مانکن‌وار قدم می‌زند و یا در ویترین‌ها می‌ایستد بدون هیچ نگاه خیره‌ای، یا در سیاست و فلسفه هم که اگر تولیدی دارد، با زبان از پیش پذیرفته‌ی مردانه، آن را بیان می‌کند، چرا که مجبور است؛ تنها زبان قابل فهم، گویا زبان مردانه است و زن(ایرانی) هنوز نتوانسته است خود را لمس و هویدا کند و در حافظه‌ی تاریخی خود، توانسته جهان را تنها از زاویه‌ی دید مردان(در گفتمان مردان)، ببیند و این لالی اجباری موجب شده‌است که هنوز نتواند در حوزه‌های گوناگون خود را و جهان را به زبان آورد. زنی که حکم بیمار مضطربی را پیدا کرده‌است که این‌بار با لالی انتخابی: دارد تماشا می‌کند.

استبدادِ تَن

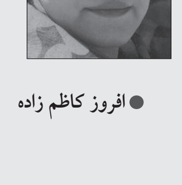

● افروز کاظم زاده

آیا می توان بدن را فقط عنصر و قالبی زیست شناسانه دید ؟ آیا بدن همواره در رابطه ی تنگاتنگ با جهان قرار دارد ؟ آیا می تواند به امری جامعه شناسانه و حتی کنشی سیاسی تبدیل شود ؟ جامعه ی نمایشی ، در عصر تکنولوژی و جوامع سرمایه داری شکل پررنگ تری نسبت به همیشه گرفته است و شاید بتوان آن را عصر بی هویتی نامید و از آنجایی که زنان همیشه به واسطه ی جنسیت شان و تن شان مورد ارزیابی قرار گرفته اند ، لذا جامعه ی مردسالاری آنان را ازهمیشه بیشتر درگیر ظاهرشان کرده است . وقتی نگره ی زیبایی تغییر می کند و سوژگی یک زن به ابژه گی تقلیل می یابد ، وقتی زنان هر روز به بیشتر به زیبایی هایشان فکر می کنند و تن شان را مجالی می بینند برای عرضه در مقابل تقاضایی که مردان از آنها دارند ، خواسته یا ناخواسته وارد سیکل معیوب سرمایه داری می شوند . درخیابان ها، در فضاهای مجازی و مهمانی ها هر روز زنانی دیده می شوند که شبیه هم هستند. یک الگوی مشترک که آن را به عنوان «زن زیبا و خواستنی » به نمایش می گذارند . زنان نمی دانند چگونه بدن هایشان به یک صنعت بی پایان تبدیل شده است ، خبری از این نوع استبداد که با بدن آنها هر روز مواجه می شود، ندارند. نمی دانند که چگونه هر روز بیشتر به شیئی خواستنی و نه به یک سوژه تبدیل می شوند. آنها در تیررس و آماج حملات تبلیغاتی جراحان زیبایی قرار دارند، از پیغام های تبلیغاتی که هر روز تعداد بی شماری از آنها وارد اینباکس گوشی های تلفن می شوند گرفته تا تبلیغات رسانه ای . آنها هدف اصلی فنون تغییر شکل هستند و متوجه تحقیر و ترغیبی که در این استبداد پنهان است ، نیستند. چرا که این نوع استبداد آنها را ناچار و وابسته به ارزش های اجتماعی می کند که ظاهر و جذابیت بدن در آن حرف اول را می زند، اجتماعی که با حقنه کردن الگویی به نام جذابیت ، هر روز بدن و سوژگی زنان را تحلیل می برد. پیغام هایی با عناوین « زیبا تر باشید»، «زیبایی را با ما تجربه کنید» ، این پیغام های تبلیغاتی روزانه ، چند نفر از زنان را روانه ی اتاق عمل و سپردن بدن شان به تیغ جراحی می کند؟! بازاری که به شدت رو به رشد که مدام نشانه های ظاهری را به ارزش هایی بدل می کند که باید ایجاد جذابیت کنند و یا ارتباط را ممکن نمایند . این است که به جای اینکه زنان به موجوداتی کنشگر تبدیل شوند ، به کارت های ویزیت زنده به مردان عرضه می شوند. ژان بودریار ، بدن را « زیباترین شیء » قابل سرمایه گذاری فردی و اجتماعی می داند و بازاریابان نیز این فرصت را در جهت سوددهی بیشتر به سمت وسوی زنان چرخانده اند. این است که بدن زنان حتی فضای گفتگو را نیز فراهم می کند . چه در گفتمان مردانه و چه در گفتمان زنانه . غالب این گفتگوها ی زنانه درباره ی آخرین دستگاه های لاغری ، لیفتینگ ، حجم دهنده های لب و گونه و ترغیب بیشتر همدیگر به سمت و سوی فروپاشی هویتی شکل می گیرد.این استبداد که از تبلیغات رسانه ای آغاز می شود و به مرور و آهسته بر اندیشه ی زنان حاکم می شود که باید این چنین بود تا مقبول بیفتند ، تا مردان بیشتری را به سمت خود جذب کنند و آنگاه در بزنگاه پیری می فهمند که تبدیل به موجود دیگری شده اند. جیب های جراحان زیبایی و تاجرین لوازم آرایشی هر روز سنگین تر و زنان هر روز از خودشان و چهره شان غریبه تر. تن ، روزی از این که یک ماشین منفعل باشد دست می کشد و روزی به مکان جغرافیایی دوباره ی خود بدل می شود و این خاصیت عصر مدرنیته است که با وجود دوگانگی هایش باز بدن تمایل دارد که به خاستگاه اصیل خویش بازگردد. باید توجه داشت این دغدغه نسبت به ظاهر و نمایش آن به هیچ وجه باعث نمی شود بدن در اجتماعیت خود نامرئی شود . تن ، به خصوص تن زنان همواره در جامعه حضور دارد . حال اینکه تبدیل به تنی کنشگر شود یا خیر ، یک انتخاب است و کاملن بسته به باور درونی یک زن نسبت به خودش و سوژگی اش دارد.

«

یکروزدرتقویم،سهم‌زنان‌ازتاریخ

تلاش‌نکنیدبفهمید که هستید آن را انکار کنید

● سحر آریا

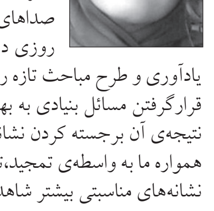

نوشتن درچنین روزی حتی اگرنوشتارخالق یک فضای چند بعدی انتقادی باشد،شایدتاحدودی به نوعی رسمیت بخشی به این مناسبات تعبیرشود. پرداختن به مساله‌ی زنان دریک بازه‌ی زمانی مشخص باآن بافتار پیچیده ودره مشکه بلافاصله ضمن مباحث پیرامون آنتوره ای معنایی و اجتماعی گسترده‌ای پهن می‌کند،راه به جایی نمی‌برد؛ مگرآن‌که پرداختی روش‌مندومداوم باهدف فضاسازی برای حضور صداهای متکثر صورت بگیرد. برخی براین گمانندکه نام‌گذاری چنین روزی درتقویم حتی اگردستاوردی به همراه نداشته باشد موجبات یادآوری و طرح مباحث تازه را فراهم می‌کند؛ اماآن‌هاروی دیگر سکه را نمی‌بینند که در صدر قرارگرفتن مسائل بنیادی به بهانه‌ی مناسبت‌های تقویمی به وسیله‌ی ابزار ارتباط جمعی ودر نتیجه‌ی آن برجسته کردن نشانه‌های فاجعه‌بار ستم علیه زنان چه مشکلاتی را سبب می‌شود! همواره ما به واسطه‌ی تمجید،توجه و ستایش طبقه‌ی تحت ستم و تکرار و مصرف رقت‌انگیز نشانه‌های مناسبتی بیشتر شاهد مواضع بازنمای اننده ونمایشی، از ریخت افتادن، تقلیل‌گرایی ومحدودسازی اموراصلی هستیم تا این‌که تحت تاثیر این مناسبت،دغدغه‌ی تغییردرمان هادی نه شودیا به راستی زیرساختارهای صلب حاکمتری بردارند. در واقع بازتاب‌های رسانه‌ای معمولا با بزرگ‌نمایی بیش ازحد و ناگهانی خود امکانات و وسعت واقعی چنین مسائلی را تحلیل می‌برند. بنابراین این مناسبت که براساس یک رویداد وفاجعه‌ی تاریخی نام‌گذاری شده است، مشابه تمامی سرگرمی‌های رسانه‌ای دیگردستاویزی می‌شود برای کسانی که نمی‌خواهند از قافله عقب بمانند ومدام از بازیافت‌های فرهنگی اجتماعی تغذیه می‌کنند. این نوع رویکردها وکارهای باسمه‌ای که موضوعی مثل زنان را تا سرحد مطرح کردن مطالباتی حقوقی و مدنی فرو می‌کاهند، واقعیت جامعه شناختی روزگار مصرفیما را بیش از هر چیز بازتولید می‌کند. فمینیسم معاصر باید خسته شده باشد، ازبازی گرفته شدن‌های پیوسته درجهانی که اساسی‌ترین پرسش‌های شرامردان مطرح کرده‌اند؛ پرسش‌هایی که در راستای جاودانه سازی هژم ونیمردسالاری پاسخ داده شده‌اند. فمینیست‌هایی که خواستار حمایت عوامل حکومتی ودولتی و مشروعیت یافتن‌حقوق اجتماعی شان هستند، به نوعی طبقه‌بندی نظام مردسالار و جایگاه تعریف شده‌ی خودرا پیش ازهمه پذیرفته‌اند. آن‌ها در چنین شرایطی بهتراست به جای هنجارمندکردن عمل خود به سوی عدول از هنجارهای رایج حرکت کنند تا با خلق وتملک دوباره بر موقعیت‌ها وحوزه‌های جدید، نظم نمادین را برهم بزنند.

از منظر بسیاری از فمنیست‌های پیشرو برانگیختن آگاهی را می‌توان مبنایی برای ساخت یک روش‌شناسی فمینیستی به حساب آورد. روش آگاهی بخشی که توسط رسانه‌ها ترویج می‌شود، معمولا یک روش جهت‌دار وتک بعدی است که به ساده‌کردن مساله و ارائه‌ی یک سری رهنمودهای مشخص بسنده می‌کند؛ برای جلوگیری هرچه بیشتر ازرقیق‌سازی فرآیندِ اعتراض به روش‌های مرسوم باید به تدریج با پروبلماتیزه کردن وضعیت حاکم وترویج نگاه‌های چندجانبه به سوی بس‌گانه سازی فردی توساختارشکنی جوامع مردسالارحرکت کرد. پرسش از چیستیِ زن احتمالا بدیهی‌ترین سوال برای شروع این روش روشنگربه نظرمی‌رسد؛ ازطرفی همَ این پرسش به سرعت ما را به لایه‌های مختلف تاریخ می‌کشاند. در این مسیرو قبل ازهر چیزبهتر است جست‌وجوی خاستگاه‌ها را درتحلیل‌های تاریخی‌مان متوقف کنیم؛چرا که پیگیری لایه به لایه‌ی روادید برای دسترسی نهایی به جوهر، هویتی خالص وحقیقتی متقن پژوهش را به ذات‌گرایی می‌کشاند. اما می‌توان با تاویل مکرر نظام‌های قاعده‌مندی که بررویدادها موثرند،با به چالش کشیدن آن‌ها واثبات غیرذاتی بودن‌شان،هستی را از مکان رویارویی نیروها ،-گفت‌وگویی بین زنان ومردان- وجدال همیشگی سلطه‌گر وتحت سلطه معرفی کرد. از این رو زنان باید به راستی ازکندوکاو خاستگاه و باز تعریف هویت زنانه دست بردارند وبا خوانش دیگرگونه‌ای ازتاریخ که نه پیوستگی را بلکه گسیختگی را یادآور می‌شود، فرصت وامکان مداخله‌ی فضاهای گفتمانی تازه برای دوری ازهرگونه سیاست آپارتایدی را مهیا کنند. زنانِ امروز بهتر است دیگر در پی کشف آن‌چه هستند نباشند؛بلکه با رد آن‌چه هستند،آن‌چهَ را که می‌توانند باشند، برسازند. پرسش از چگونگی‌های گوناگون سوب ژکتیویته درعوض پرسش از چیستی زن شاید لازم‌ترین و چالش‌برانگیزترین تحول ممکن درگفتمان‌های فمینیستی باشد. نگاه تاریخ‌مند، زمان‌مند ومکان‌مند، چیستی زنان را در یک موقعیت و وضعیت خاص به پرسش می‌گیرد، به‌گونه‌ای که می‌تواند هم‌زمان قدرت‌های سوژه-منقادکننده را نیز فهم کند.